

اثر بخشی خانواده درمانی ستیر بر تغییر سبک های مقابله با تعارض زناشویی^۱

زهرا قادری^۲، دکتر مصطفی تبریزی^۳ و دکتر قدسی احقر^۴

هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی خانواده درمانی ستیر بر تغییر سبک های مقابله با تعارض زناشویی در سالهای اول ازدواج بود. جامعه ی آماری این پژوهش، شامل زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره ی دولتی شهر شیراز در سال ۱۳۸۷ بود که از این جامعه، ۱۶ زوج به شیوه ی نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب و مورد کاربندی قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون آماری تحلیل کوواریانس نشان داد که اجرای الگوی خانواده درمانی ستیر موجب کاهش سبک مقابله با تعارض هیجانی، سبک اجتنابی، سبک مقابله با تعارض متخاصم و افزایش سبک مقابله با تعارض موثق می شود.

واژه های کلیدی: سبک های مقابله با تعارض، الگوی خانواده درمانی ستیر

مقدمه

تعارضات بین فردی، به اندازه ی روابط اجتماعی، فراگیر و گسترده اند. از این رو تجربه ی سطوح مختلفی از تعارض، اختلاف نظر و رنجش در تعاملات یک زوج، امری بدیهی و غیر قابل اجتناب بود. (کومینگز^۵، فرکش، میچل و همکاران، ۲۰۰۸؛ استیوبر^۶، ۲۰۰۵) و آنچه در این امر مهم است سبک^۷ مقابله با تعارض است (کوان^۸، ۲۰۰۴). اگر تعارض به طور کارآمد اداره شود، از سکون و رکود ارتباط جلوگیری کرده و در زوجین، مهارتهای مثبت و کارآمد منطبق با رویدادهای فشارزا ایجاد می کند، حتی یادگیری این رویکرد انطباقی، می تواند فرد را در مقابل دیگر رویدادهای فشارزای زندگی هم مقاوم تر کند (دان هام^۹، ۲۰۰۸) ولی اگر تعارض بطور ضعیفی اداره شود موجب تخریب زندگی

۱. این مقاله برگرفته از رساله ی دکتری است.

۲. دانش آموزخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران z_ghaderi_sh@yahoo.com

۳. استاد دانشگاه علامه طباطبایی

۴. دانشیار و هیات علمی پژوهشکده تعلیم و تربیت

زناشویی شده و اثرات زیان آوری بر سلامت فیزیکی و هیجانی زوجین به جا می گذارد (ماهونی^۱، ۲۰۰۶) و می تواند موجب ایجاد دامنه ای از مشکلات رفتاری و هیجانی کودکانی شود که در معرض تعارضات والدین هستند (هیندمن^۲، ۲۰۰۲).

گاتمن^۳ و همکاران (۲۰۰۰) معتقدند با تحلیل ارتباط یک زوج می توان احتمال به بن بست رسیدن ازدواج و رسیدن به طلاق را پیش بینی کرد، او زوجین را بر اساس نحوه ی تعاملشان در هنگام تعارض به دو دسته ی متعادل^۴ و نامتعادل^۵ تقسیم کرده است. زوج های متعادل به سه گروه موثق^۶ اجتنابی^۷ و هیجانی^۸ تقسیم شده است. زوج های نامتعادل در یک گروه زوجین متخاصم^۹ تعریف می شوند. تعارض های زوجین متخاصم، فراوانی و شدت بیشتری دارد آنها در هنگام مشاجره، به شخصیت یکدیگر حمله می کنند، به صورت مستقیم درگیر تعارضات می شوند و توهین، اهانت انتقاد، قضاوت و سرزنش زیادی در تعاملات آنها دیده می شود (هالمن و جرویس^{۱۰}، ۲۰۰۳). زوجین غیر متخاصم در مقابل یکدیگر انتقادهای کینه توزانه نمی کنند و چون خصومت را دامن نمی زنند رضایت بیشتری از زندگی دارند (دریور^{۱۱} و گاتمن و همکاران، ۲۰۰۰).

شیوه ی مقابله با تعارض، اکتسابی است و می توان آنرا تغییر داد (آری تا^{۱۲}، ۲۰۰۸؛ کوان، ۲۰۰۴) از این رو می توان با فراهم نمودن فرصتهای آموزشی جدید به زوجین کمک کرد تا شیوه های مخرب و ناکارآمد مقابله با تعارض خود را تغییر دهند و شیوه های کارآمدتری به کار گیرند. رویکرد ستیر یک رویکرد آموزشی است (گلدنبرگ، بی تا) که ضمن آموزش الگوهای ارتباطی همخوان بر هیجانانواع عاطفی، ادراکات، انتظارات، آرزوها و نیازها نیز تاثیر گذاشته و خانواده پایه را مورد توجه قرار می دهد (بانمن^{۱۳}، ۲۰۰۲). سالهای اول ازدواج از مقاطع مهم در چرخه ی زندگی خانواده است که در آن سطح، تعارض و اختلافات افزایش می یابد (چانگ^{۱۴}، ۲۰۰۸). طرفداران نظریه های رشدی و ساخت نگر، معتقدند افزایش بروز تعارضات زناشویی در این مقطع از زندگی از آن روست که زوجین جوان مهارت تغییر الگوهای رفتاری و قواعد و انتظارات برگرفته از روابط قبلی خصوصا خانواده پایه و تشکیل یک واحد زناشویی جدید را ندارند (کار^{۱۵}، ۲۰۰۰).

- | | | | |
|---------------------|-------------------------|---------------------|------------|
| 1. Mahoney | 5. non regulated couple | 9. hostile | 13. Banmen |
| 2. Hindman | 6. validating | 10. Hollman &Jarvis | 14. Chang |
| 3. Gottman | 7. avoidant | 11. Driver | 15. Carr |
| 4. regulated couple | 8. volatile | 12. Arieta | |

با توجه به نقش مهم سالهای اولیه ی زندگی زناشویی در شکل گیری استحکام و تداوم زندگی خانواده و با در نظر گرفتن نقش مهم سبک های مقابله با تعارض زوجین در کیفیت زندگی زناشویی، در پژوهش حاضر به دنبال آن بودیم تا اثربخشی اجرای الگوی خانواده درمانی ستیر بر تغییر سبک مقابله با تعارض زوجین در سالهای اولیه ی ازدواج را مورد بررسی قرار دهیم.

روش

جامعه ی آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه ی مورد مطالعه در این پژوهش، زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روان درمانی دولتی شهر شیراز بود که در طول سه ماه مهر، آبان و آذر سال ۱۳۸۷ جهت بهبود روابط زناشویی و دریافت مشاوره به این مراکز مراجعه کرده و حداکثر از مدت ازدواج آنها ۵ سال می گذشت. از این جامعه ۱۶ زوج (۳۲ نفر) به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب به صورت تصادفی به دو گروه مساوی تقسیم و به حکم قرعه در دو گروه آزمایشی و گواه مورد کاربندی قرار گرفتند. گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه ای تحت آموزش خانواده درمانی ستیر قرار گرفت.

ابزار

پرسشنامه ی سبک های مقابله با تعارض: این پرسشنامه، توسط هالمن و همکارانش (۱۹۹۷)، نقل از استیوبر، (۲۰۰۵) بر اساس نظریه ی گاتمن و توصیف او از چهار سبک مقابله با تعارض تهیه شده است. این پرسشنامه، ۱۶ سوال دارد و ۴ سبک مقابله با تعارض را می سنجد. نمره گذاری برای هر آیتم بر اساس یک مقیاس ۵ درجه ای که شامل: هرگز، به ندرت، گهگاهی، اغلب و خیلی زیاد است صورت می گیرد. این پرسشنامه، قبل از اجرا توسط پژوهشگر روی گروه نمونه ای به حجم ۱۵۰ زوج (۳۰۰ نفر) اجرا و پایایی و اعتبار آن مورد تایید قرار گرفت. نتایج، نشان داد که ضریب پایایی کل مقیاس ۰/۷۱ و مقادیر پایایی برای هر یک از خرده مقیاس های سبک مقابله ی هیجانی سبک مقابله ی اجتنابی، سبک مقابله ی موثق و سبک مقابله ی متخاصم به ترتیب برابر با ۰/۵۱، ۰/۷۷، ۰/۸۲ و ۰/۷۹ است. مقدار پایایی این پرسشنامه نیز به روش دو نیمه کردن، برابر با ۰/۷۲ و با روش باز آزمایی برای هر یک از خرده مقیاس های سبک هیجانی، سبک اجتنابی، سبک موثق و سبک متخاصم به ترتیب برابر با ۰/۹۸، ۰/۹۸، ۰/۶۵، ۰/۱۰ و ۰/۶۲ بدست آمده است.

روش اجرا

برنامه ی درمانی این پژوهش طی ۱۲ جلسه به شرح ذیل انجام شده است:

برنامه ی درمانی انجام شده در پژوهش

جلسه	اهداف	فرایند
۱	ایجاد ارتباط، ارزیابی ماهیت مشکل زوجین	استفاده از پیام های کلامی و غیر کلامی، انعکاس و سوالات اکتشافی، همچنین از زوجین خواسته شد شرح مختصری از داستان مشکل خود و تاریخچه زندگی زناشویی شان بیان کنند
۲-۳	آشنایی بانقش الگوهای ارتباطی در زندگی زناشویی، آگاهی زوجین از الگو های ارتباطی شان و اصلاح الگوهای ناکارآمد.	ویژگی ها و خصوصیات الگوی همخوان که از نظر ستیر سالمترین الگوی ارتباطی است و ۴ الگوی ارتباطی ناکارآمد (سازشگر، سرزنشگر، حساسگر، گیج کننده) تشریح شد. زوجین با استفاده از فنون ایفای نقش و مجسمه سازی به تمرین پرداختند.
۴-۵-۶	شناخت قواعد خانواده، تغییر و اصلاح قواعد ناکارآمد	وجود قواعد و نقش قواعد در زندگی خانوادگی مورد بحث قرار گرفت. زوجین به بررسی قواعد خود در مورد عشق، احترام، ابراز عواطف، مسایل اقتصادی، تفریحات، ارتباط با خانواده پایه و دوستان و وظایف متقابل زوجین پرداختند و منطقی یا غیرمنطقی بودن آنها را مورد بحث قرار دادند. فرصت داده شد قواعد منطقی جدیدی جایگزین قواعد غیر منطقی خود نموده و گزارش نمایند
۷-۸	آشنایی با کوه یخ (عواطف، ادراکات، انتظارات، نیازها و...).	تجارب و عناصر کوه یخ تشریح و با ذکر مثالهایی از تعاملات زوجین توضیح داده شد. از زوجین خواسته شد سه مورد از تعاملات هفته ی گذشته ی خود را به خاطر آورده و بر روی کاغذ یادداشت نمایند و سپس در گروه بیان کنند. کمک شد این تجربیات کاملتر بیان شده و درک کاملتری از آنها فراهم شود. با معلوم شدن ابعادی از تجربیات درونی افراد که آنها را ناکارآمد و غیر منطقی می دانستند به تمرین در جلسه و در منزل مکلف شدند. خواسته شد به هیجانانگیز و ادراکات خود در مقابل یکدیگر توجه کرده و هیجانانگیز خود را ابراز کنند
۹	ارزیابی روند تغییر و اصلاح الگوهای ارتباطی، قواعد و تجربیات درونی زوجین.	بحث گروهی در مورد تغییرات، پیشرفت ها و موانع مشکلات احتمالی تکالیف حول تصمیم گیری و تمرین در زمینه هایی که پیشرفت کمتر رضایت بخش بود ادامه یافت
۱۰-۱۱	آشنایی با اثرات خانواده پایه و تاثیر تجربیات گذشته بر رفتار فعلی شخص.	با اجرای فنون بازسازی، ترسیم نقشه ی خانوادگی، ایفای نقش و مجسمه سازی تعاملات خانواده اصلی و اثرات آن بر رفتار کنونی فرد بررسی و تجزیه و تحلیل شد، آگاهی و درک زوجین از اثرات خانواده پایه ی خود افزایش یافت

یافته ها

برای تحلیل داده های پژوهش، ابتدا نمره های پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش و کنترل محاسبه شد، نتایج مولفه های آماری پیش آزمون و پس آزمون در سبک های مقابله در جدول ۱ ارایه شده است:

جدول ۱: نمرات پیش آزمون- پس آزمون گروه آزمایش و کنترل

سبک های مقابله...	پیش آزمون		پس آزمون	
	گروه آزمایش	گروه کنترل	گروه آزمایش	گروه کنترل
	انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار
سبک هیجانی	۶/۸۱	۱/۸۵	۶/۵۶	۱/۷۸
سبک اجتنابی	۱۲/۳۷	۱/۵۲	۱۲/۹۳	۳/۹۱
سبک موثق	۱۱/۲۵	۴/۴۶	۱۲/۳۱	۲/۶۳
سبک متخاصم	۱۴/۴۳	۲/۹۹	۱۲/۵۶	۱/۳۲

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود، میانگین نمرات گروه آزمایش و کنترل در پیش آزمون به هم نزدیک است و ظاهراً تفاوت چندانی بین دو گروه در پیش آزمون وجود ندارد. این جدول نشان می دهد که بیشترین سبک مورد استفاده به ترتیب: سبک متخاصم، سبک اجتنابی، سبک موثق و هیجانی است از طرفی مقایسه ی وضعیت دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون نشان می دهد که نمرات گروه آزمایش در سبک های متخاصم، اجتنابی و هیجانی، کاهش و در سبک موثق افزایش یافته است. جهت بررسی و مقایسه ی نمرات پیش آزمون و پس آزمون دو گروه، از آزمون آماری تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج این مقایسه در جدول ۲ ارایه شده است.

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود، تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل در سبک هیجانی و اجتنابی با اطمینان ۰/۹۵ و تفاوت دو گروه در سبک های موثق و متخاصم با اطمینان ۰/۹۹ معنادار است. بنابراین با توجه به نتایج جدول ۲ و پایین آمدن نمرات پس آزمون گروه آزمایش در سبک های متخاصم، هیجانی و اجتنابی و بالا رفتن نمرات پس آزمون گروه آزمایش در سبک موثق،

می توان نتیجه گرفت که اجرای الگوی خانواده درمانی ستیر در تغییر سبک های مقابله با تعارض زوجین در سالهای اول ازدواج موثر بوده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل کو واریانس، جهت مقایسه ی نمرات آزمودنی ها

متغیرها	منابع تاثیر	SS	MS	مقدار F	سطح معناداری
سبک هیجانی	پیش آزمون	۰/۱۷	۰/۱۷	۰/۴۳	-
	گروه آزمایشی	۲۴/۹۴	۲۴/۹۴	۶/۰۱	۰/۰۵
سبک اجتنابی	پیش آزمون	۳/۷۴	۳/۷۴	۱/۷	-
	گروه آزمایشی	۱۳/۷۱	۱۳/۷۱	۶/۲۱	۰/۰۵
سبک موثق	پیش آزمون	۱۸/۱۲	۱۸/۱۲	۱/۵۵	-
	گروه آزمایشی	۱۱۰/۹۶	۱۱۰/۹۶	۹/۵۳	۰/۰۱
سبک متخاصم	پیش آزمون	۱/۹۶	۱/۹۶	۰/۷۵	-
	گروه آزمایشی	۱۲۳/۴۱	۱۲۳/۴۱	۴۷/۵۷	۰/۰۱

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، با اجرای روش درمانی ستیر نشان دادیم که اجرای الگوی خانواده درمانی ستیر موجب افزایش سبک مقابله با تعارض موثق و کاهش نمره ی سبک مقابله با تعارض متخاصم اجتنابی و هیجانی می شود. گاتمن (به نقل از استیوبر، ۲۰۰۵) معتقد است زوجین موثق، از تعاملات مثبت بیشتری که شامل محبت، شوخی، اعتماد، پذیرش و گشودگی نسبت به یکدیگر استفاده می کنند. زوجین موثق با تفاوت ها به صورت باز و همکاری دو طرفه برخورد می کنند و با احترام و توجه به عقاید و نظریات یکدیگر گوش می کنند همچنین، شیوه ی بحث کردن زوجین موثق به جای اینکه بر جنگ و ستیز کلامی استوار باشد، کنفرانس گونه است و اغلب در پایان بحث یکدیگر را بیشتر درک می کنند تا قبل از بحث. با در نظر گرفتن این فرض که سبک های مقابله با تعارض اکتسابی هستند (ویتون^۱ و همکاران، ۲۰۰۸) و با توجه به اینکه الگوی ستیر یک الگوی آموزشی است که اساسا بر ارتباط همخوان، تاکید دارد می توان نتیجه گرفت که فراهم کردن فرصت های جدید یادگیری باعث افزایش این سبک در گروه نمونه شده است. این یافته ها همسو با پژوهش هایی است

که نشان می دهد متغیر هایی مانند انعطاف پذیری (یانسی^۱، ۲۰۰۷) بخشش (فینچم^۲ و همکاران، به نقل از دان کن^۳، ۲۰۰۸) استفاده از شوخی، تفریح و شادمانی (دریور و گاتمن، ۲۰۰۴) مهارت های ارتباطی (وارگاس، ۲۰۰۵) و خود افشایی (میب^۴، ۲۰۰۱) در کاهش تعارضات زناشویی و بهبود کیفیت زندگی زناشویی موثر هستند.

گاتمن (۱۹۹۴) عقیده دارد که زوجین اجتناب کننده از تعارض، معمولاً با تفاوت هایشان به صورت پوشیده و غیر مستقیم برخورد می کنند، آنها عواطف منفی خود را سرکوب می کنند و تعارض موجود را به حداقل می رسانند (نقل از استیوبر، ۲۰۰۵). این عقیده با یافته های پژوهش حاضر همخوانی ندارد. در این راستا والنیرو کارنر^۵ (به نقل از کوان، ۲۰۰۴) اجتناب از تعارض را مضر می داند چون مذاکره ای در آن انجام نمی شود و هیچ یادگیری در آن وجود ندارد. کرسین سن (۱۹۹۱، نقل از دان هام، ۲۰۰۸) نیز معتقد است این دسته از زوجین، افکار و عواطف خود را سرکوب می کنند چون آنها را منصفانه و به حق نمی دانند و می ترسند بحث شان به یک مشاجره ی غیر قابل کنترل تبدیل شود. این پژوهش نشان داد که اجرای الگوی خانواده درمانی ستیر در کاهش استفاده از سبک هیجانی موثر است. ویژگی بارز رویکرد ستیر، توجه به نقش احساس و هیجان در ارتباط های بین فردی است (گلادینگ^۶، بی تا). آگاهی هیجانی و توانایی تشخیص و ابراز هیجانات نقش اساسی در کیفیت ارتباط زناشویی دارد (دان هام، ۲۰۰۸؛ گاتمن، ۲۰۰۰؛ والدینگر^۷ و همکاران، ۲۰۰۴). این یافته ها با نتایج پژوهشهای بروباچر^۸ (۲۰۰۶) تیلور^۹ (۲۰۰۲) موریسون و جودی^{۱۰} (۲۰۰۲) مبنی بر اثربخشی اجرای الگوی ستیر در آگاهی، رهاسازی و ابراز هیجانات سرکوب شده همسو است.

در تبیین نتیجه ی پژوهش، می توان به نظریه ی ساختاری اشاره کرد که اعتقاد دارد در سالهای اول ازدواج، تعارض از آنجا شروع می شود که هر کدام از زوجین سعی دارد قواعد و اصول و الگوهای مرزهای خانوادگی خود را به خانواده ی جدید منتقل نماید و این در حالی است که آنها باید این مهارت و توان را داشته باشند که قواعد و انتظارات و الگوهای رفتاری خود را به نحوی تغییر دهند که مستقل از خانواده ی پایه و متناسب با نیازها، انتظارات و قواعد همسر خود باشد.

یافته های ویتون و همکاران (۲۰۰۸) نیز بیانگر این مطلب است که خصوصاً در ابتدای ازدواج، سبک مقابله با تعارض زوج های جوان مشابه سبک مقابله با تعارض خانواده پایه شان است. از این رو اجرای

1. Yancey
2. Fincham
3. Duncan

4. Mabe
5. Valleneare & Karner
6. Gladding

7. Waldinger
8. Brubacher
9. Taylor

10. Morrison & Judy

الگوی خانواده درمانی ستیر یک فرصت آموزشی غنی برای اکتساب این مهارتها و تغییر الگوهای قدیمی برای زوجین فراهم کرده است.

در نظریه ی بین نسلی بوین^۱ نیز دسته ی زیادی از تعارضات زناشویی در ابتدای ازدواج را می توان چنین تبیین کرد که گرچه ظاهراً واحد جدید و مستقلی تشکیل شده است اما زوج جوان به سطح تفکیک مناسبی نرسیده اند. بوین معتقد است افرادی که به تمایز یافتگی کافی رسیده باشند دارای تفکر واضح، روشن، مستقل و متمایز از دیگران هستند و می توانند به وضوح، افکار، احساسات عقاید و هیجانات خود را از دیگران جدا سازند و تحت کنترل خود در آورند، می توان نتیجه گرفت که احتمالاً سطح تفکیک این زوجین در ابتدای ازدواج پایین بوده و گرچه ظاهراً تشکیل یک واحد زناشویی جدید را داده اند اما نتوانسته اند از خانواده ی پایه ی خود مستقل و متمایز شوند. با در نظر گرفتن ویژگی های رویکرد ستیر می توان گفت این الگوی درمانی، موجب افزایش سطح تفکیک زوجین شده و به دنبال آن توانسته است زوجین را در استفاده از سبک مقابله با تعارض موثق بیشتر تشویق کند.

به طور کلی می توان چنین نتیجه گرفت که در این مقطع مهم از زندگی زناشویی (سال های اولیه زندگی زناشویی) در جامعه ی ما احتمالاً زوجین، آموزش و اطلاعات لازم جهت تشکیل یک واحد خانوادگی مستقل و یک ارتباط زناشویی با کیفیت مناسب را ندارند و با همان الگوهای آموخته شده از خانواده ی اصلی و دیگر روابط اجتماعی قبلی خود وارد این ارتباط می شوند در صورتیکه ورود به این ارتباط که کاملاً متفاوت با دیگر روابط اجتماعی قبلی آنها است مستلزم کسب مهارت ها و توانمندی های جدید و متفاوت است.

منابع

- کار، آلن. (۲۰۰۰). *خانواده درمانی*. ترجمه ی غلامرضا تبریزی. مشهد: مرنديز.
- گلدینگ، سامویل (بی تا). *خانواده درمانی*. ترجمه ی فرشاد بهاری؛ مصطفی تبریزی؛ بدرالسادات بهرامی (۱۳۸۶). تهران: رشد.
- گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت (بی تا). *خانواده درمانی*. ترجمه ی حمیدرضا حسین شاهی، سیامک نقشبندی والهام ارجمند (۱۳۸۴). تهران: روان.

- Arieta, M. T. (2008). Women s'couple relationship satisfaction: The impact of family structure and interparental conflict. *Unpublished Doctoral Dissertation*. Sanfrancisco University.
- Banmen, J. (2002). The Satir model: Yesterday and today. *Journal of Contemporary Family Therapy*. 24 (1), 7-23.
- Brubacher, L. (2006). Integrating emotion-focused therapy with the satir model. *Journal of Marital and Family Therapy*. 32 (2), 141 – 153.
- Chang, S. L. (2008). Family background and marital satisfaction of newlyweds. Generational transmission of relationship interaction patterns. *Unpublished Master's Thesis*, California State University.
- Coan, S. (2004). The impact of residential experience on the Division of Household labor, conflict patterns, differentiation, and marital satisfaction. *Unpublished Doctoral Dissertation*.
- Cummings, E. M. Faircth, W. B., Mitchell, P., Cummings, J. S., & charmerhorn, A. C. (2008). Evaluating a brief prevention program for improving marital conflict in community family. *Journal of Family Psychology*. 22(2), 193 – 202.
- Driver, J. L., Gottman, j. M. (2004). Daily marital interactions and positive affect during marital conflict among newlywed couples. *Journal of Family Process*, 43(3), 301-314.
- Duncan, G. D. (2008). The relationship between trait forgiveness and marital adjustment in Heterosexual individuals. *Unpublished Doctoral Dissertation*. Capella University.
- Dunham, SH. (2008). Emotional skillfulness in African American marriage. intimate safety as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Unpublished Doctoral Dissertation*. University of Akron.
- Gottman, J. M., & levenson, R.W. (2000). A two-factor model for predicting when a couple will d ivorce: Exploratory analyses using 14-year. *Journal of Family Process*, 41 (1), 83-96.
- Hindman, D. W. (2002). Conflict management and dyadic adjustment among married couples. *Unpublished Doctoral Dissertation*. California University.
- Hollman, TH. B., & Jarvis, M. O. (2003). Hostile, volatile, avoiding and validating. Couple-conflict types: An investigation of Gottman's couple conflict types. *Personal Relationship*, 10(2), 267- 282.
- Mabe, L. W. (2001). An exploratory study of self-disclosure and marital adjustment in law enforcement officers. *Unpublished Doctoral Dissertation*. Texas A&M University.

- Mahoney, K. R. (2006). The relationship of partner support & coping strategies to marital adjustment among women with diabetes & their male partner. *Unpublished Doctoral dissertation*. New York University.
- Morrison, A., & Judy, F. (2002). The Satir model with female adult survivors of childhood sexual abuse. *Journal of contemporary Family Therapy*, 24 (1), 161-180.
- Steuber, K. R. (2005). Adult attachment, conflict style, and relationship satisfaction: A comprehensive model. *Unpublished Doctoral dissertation*. New York University.
- Taylor, G. (2002). Family reconstruction. *Contemporary Family therapy*, 24 (1), 129-139.
- Vargas, J. (2005). Communication in healthy and distressed relationships. *Unpublished Doctoral Dissertation*. Keen University.
- Waldinger, R. J., Schulz, M. S., Stuart, T. H., & Allen, J. D. (2004). Reading other emotion: The role of intuitive judgements in predicting marital satisfaction quality, and stability. *Journal of Family Psychology*, 18(1), 58 – 71.
- Whitton, S. W., Waldinger, R. J., Schulz, M. S., Allen, J. P., Crowell, J. A., & Hauser, S. T. (2008). Prospective associations from family of origin interaction to adult marital interaction and relationship adjustment. *Journal of Family Psychology*, 22 (2), 274 – 286.
- Yancey, R. J. (2007). Resilience and adjustment to marriage. *Unpublished Doctoral Dissertation*. New Mexico State University.